

اهمیت فعالیتهای فرهنگی در روابط بین‌الملل و ارائه مدل عملیاتی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

دکتر محسن قدمی

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

حمید مصطفوی

فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی،
دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده و مسئول مکاتبات)

چکیده

پژوهش حاضر با اهداف بررسی نقش و تاثیر مؤلفه‌های فرهنگی در روابط بین‌الملل، بررسی تناسب ساز و کارهای کنونی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بالقوه فرهنگی کشورمان، بررسی و مطالعه تطبیقی الگوها و مدل‌های دیپلماسی فرهنگی نه کشور مورد مطالعه و در نهایت آسیب‌شناسی روابط فرهنگ بین‌المللی کشورمان با سایر کشورها انجام گرفته است. روش پژوهش براساس فرضیه‌ها و پرسش‌های پژوهش با دو روش کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است و جامعه آماری پژوهش عبارتند از رایزنان فرهنگی، وابستگان فرهنگی، مسئولین خانه‌های فرهنگ، مدیران و کارشناسان فرهنگی که حداقل یک دوره سه ساله تجربه فعالیت‌های فرهنگی در نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را برعهده داشته‌اند. برای ارائه مدل مناسب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، از نگرش سیستمی بهره گرفته شده است. از این منظر دیپلماسی فرهنگی را در دو بخش اساسی بررسی شده است. نخستین بخش دیپلماسی فرهنگی شامل اصول و قواعدی است که بیانگر ویژگی‌های شکل دهنده دیپلماسی فرهنگی آن بشمار می‌رود و دومین بخش نیز ساختار دستگاه دیپلماسی فرهنگی است که در حقیقت دیپلماسی فرهنگی در درون آن و بوسیله آن تحقق خواهد یافت. مدل مطلوب برای ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی بخش‌های دولتی و غیر دولتی استفاده از مدل‌های ترکیبی یعنی استفاده از مدل روابط فرهنگی پیوسته (متمرکز) مبنی بر اینکه فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی باید دارای نظمی اندام‌وار و دارای روابط ارگانیک با هم دیگر باشد و کل فرایند و تمام سازمان‌ها و برنامه‌های آنها به دنبال یک هدف باشند و همچنین استفاده از مدل شورایی برای سیاست‌گذاری و تدوین راهبردهای کلان و عملیاتی برای روابط فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها می‌باشد.

واژگان کلیدی

فرهنگ، سیاست خارجی، روابط فرهنگی بین‌المللی، دیپلماسی فرهنگی

تعیین می‌کند نه عوامل خارجی، سیاست‌ها و اقدامات کشورهای دیگر.

از این رو، اینکه جمهوری اسلامی ایران چه مدلی از سیاست فرهنگی و روابط فرهنگی بین‌المللی را برگزیده و پیگیری می‌کند، مسئله‌ای است مربوط به این کشور و مسائل داخلی آن. پس، بر سیاستگذاران، کارگزاران فرهنگی و پژوهشگران داخلی است که بدان اهتمام ورزند و ابعاد و جوانب مختلف آن را مورد مطالعه و کنکاش قرار دهند.

بیان مساله

سیاست خارجی هر کشور دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی استراتژیک از یک سو و اولویتهای درجه‌بندی شده‌ای نسبت به مناطق و کشورهای مختلف از سوی دیگر است که ترکیب و تلفیق آنها رفتار خارجی آن کشور را شکل می‌دهد. سیاست خارجی، ابزار اصلی یک دولت برای ورود به مباحث و مسائل بین‌المللی است. اگر این سیاست بر پایه شناخت دقیق و واقعی محیط بین‌المللی شکل گرفته باشد، می‌تواند زمینه بهره‌گیری از فضای بیرونی را برای توسعه داخلی پدید آورد. در غیر اینصورت، رفتار خارجی می‌تواند عامل بازدارنده‌ای در روند توسعه یک کشور گردد. در شرایط جهان امروز، اتخاذ یک سیاست خارجی مناسب و معطوف به بهره‌مندی از فرصت‌های جهانی مستلزم توجه به شیوه‌های همگرایانه و مسالم‌آمیز است. بی‌توجهی به این اصل، نتیجه‌ای جز تبدیل محیط خارجی به یک محیط تهدیدزا و مشکل ساز برای کشور نخواهد داشت.

در فضای روابط فرهنگی بین‌المللی و دیپلماسی فرهنگی هر کشور بدنبال آن است که تصویر خود را در میان مردم دیگر جوامع مثبت و سازنده نشان دهد، به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران فاقد چنین ابزارهایی است. در عین حال که ایران دارای فرهنگ

فرهنگ یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعات علوم انسانی و اجتماعی است. اهمیت بنیادین و نقش زیربنایی فرهنگ در تکامل و تکاپوی انبای بشری به گونه‌ای است که می‌توان از آن به مثابه سرمایه، دستاورد و گنجینه‌ای از علوم، معارف، ارزش‌ها و سنت‌های زندگی یک گروه و ملت یاد کرد. فرهنگ بسان یک سازه اجتماعی است که در یک بستر تاریخی به تدریج با مصالح و عناصری متشکل از اعتقادات، ایستارها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، سنت‌ها و سلیقه‌ها ساخته و بازسازی می‌شود. فرهنگ عامل قوام و انسجام نظام اجتماعی است مظهر افتراقات و اشتراکات ذهنی و عینی است. بنابراین، فرهنگ می‌تواند محملی برای انس و الفت، دوستی‌ها و همکاری‌ها متقابلاً زمینه‌ای برای سوءتفاهم‌ها، تنش‌ها و منازعات میان گروه‌های انسانی باشد. لزوم شناخت سایر ملت‌ها، جوامع و فرهنگ‌ها، داشتن ظرفیت دگرپذیری، احساس نیاز به دیگران و تقویت روحیه معاضدات و تشریک مساعی برای گسترش ارتباطات میان فرهنگی بوده‌اند. فرهنگ عمدتاً ناظر بر وجوه معرفتی، معنایی، ذهنی و فکری حیات انسان‌ها است و به قولی جنبه نرم‌افزاری تمدن‌ها را پوشش می‌دهد. در نتیجه طرز تعامل فرهنگ‌ها و ملت‌ها بازتابی از چگونگی و شرایط تعامل و ساخت معانی میان ذهنی است. در دهه‌های اخیر، روابط فرهنگی بین‌المللی از جمله مسائل مهم حکومت‌ها، دولت‌ها و سازمان‌های فرهنگی منطقه‌ای و بین‌المللی شده است. اینکه سیاستگذاران یا کارگزاران این حوزه فرهنگی چگونه هدف‌گذاری و تصمیم‌گیری می‌کنند بیش از آن که به عوامل خارجی وابسته باشد، تابع متغیرهای داخل و خارج از کشور است. در حقیقت، این اهداف، ساختارها، راهبردها و جهت‌گیری‌های یک کشور است که نوع و مدل روابط فرهنگی آن کشور را

شناخت خطاهای گذشته برای طراحی یکی دیپلماسی فرهنگد فرهنگی ضروری است.

اهداف پژوهش

هدف پژوهش ابتدا بررسی میزان نقش و تاثیر مولفه‌های فرهنگی در شکل‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و در مرحله بعد شناسایی و بررسی سازوکارهای کنونی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که آیا سازوکارهای کنونی متناسب با ظرفیت‌ها و قدرت فرهنگی کشورمان می‌باشد یا خیر؟ و همچنین بررسی الگوها و مدل‌های دیپلماسی فرهنگی کشورهای مختلف به منظور استفاده از تجربیات آن کشورها و در نهایت آسیب‌شناسی روابط فرهنگی بین‌المللی کشورمان می‌باشد تا بتوانیم مدلی عملیاتی برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ارائه دهیم.

سوالات پژوهش

این پژوهش بدنبال یافتن پاسخی برای این سؤال اصلی است که نقش و تاثیر فرهنگ در شکل‌گیری روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی با سایر کشورها چیست؟ برای یافتن پاسخ این سؤال به بررسی چند سؤال فرعی به شرح زیر ضروری می‌نماید:

۱) آیا بین سازوکارهای کنونی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با ظرفیت‌های فرهنگی و قدرت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تناسب وجود دارد یا خیر؟

۲) آیا با بررسی و مطالعه تطبیقی الگوهای دیپلماسی فرهنگی کشورهای پیشرو می‌توان الگوی مناسب و قابل‌اجراء برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ارائه کرد؟

۳) شناسایی نقاط قوت و ضعف محیط داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیط خارجی روابط

تمدن چند هزارساله می‌باشد و از طرفی جاذبه‌های متفاوت و جالب برای طبقات مختلف اجتماعی دارد، اما تاکنون کمتر به این موضوع مهم پرداخته شده است. در این پژوهش تلاش خواهیم کرد با بررسی ابعاد مختلف نقش فرهنگ در سیاست خارجی، و بررسی ساز و کارهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای مختلف و با آسیب‌شناسی روابط فرهنگی بین‌المللی (شناسایی نقاط ضعف و قوت محیط داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیط خارجی) کشورمان و همچنین بهره‌گیری از تجربیات کشورهای پیشرو در این زمینه می‌توان مدل و الگوی مناسب و قابل‌اجرا برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی طراحی کرد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

این پژوهش از ضرورت علمی و کاربردی برخوردار است. به عبارتی ما نیاز داریم الگوهای جدیدی برای ارتقاء روابط فرهنگی بین‌المللی کشورمان در سطح جهانی جستجو کنیم. دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزار خاص در اجرای سیاست خارجی می‌باشد. دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک ابزار کارآمد و قابل‌انعطاف در سیاست خارجی، زمینه‌ساز ارتقاء روابط دولتها و به تبع آن افزایش تفاهم میان ملتها و ایجاد صلح و ثبات بین‌المللی است. امروزه با ناکارآمدی راهکارهای نظامی در حل مناقشه‌ها و منازعات جهانی و برقراری امنیت بین‌المللی، نیاز به استفاده از این پدیده به عنوان راه حلی بنیادین در میان دولتها، بیش از پیش احساس می‌شود دیپلماسی فرهنگی می‌تواند عرصه ظهور همه ظرفیت‌های بالقوه و قابلیت‌های تاریخی، علمی و هنری یک کشور در حوزه‌هایی از قبیل ادبیات، شعر، سینما، موسیقی و سایر زیر شاخه‌های فرهنگ و هنر گردد. به طور کلی

فرهنگی بین‌المللی کشورمان تا چه میزان می‌تواند در طراحی مدل مطلوب و مناسب دیپلماسی فرهنگی ایران موثر باشد؟

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به نقش و اهمیت فرهنگ در روابط بین‌الملل در عصر حاضر هر اندازه مؤلفه‌های فرهنگی کشورمان در ارتباط با خارج از کشور به طور صحیح‌تر مدیریت شود جایگاه سیاست خارجی ایران در محیط بین‌المللی تاثیرگذارتر می‌شود. بنابراین فرضیه‌های پژوهش را به این صورت مطرح می‌کنیم:

(۱) «مؤلفه‌های فرهنگی نقش اساسی و بنیادین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد». برای بررسی این فرضیه اصلی سه فرضیه دیگر به شرح زیر را مطرح می‌کنیم:

(۲) بین ساز و کارهای کنونی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بالقوه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تناسب کامل وجود ندارد.

(۳) بین بررسی و مطالعه تطبیقی الگوهای دیپلماسی فرهنگی کشورهای پیشرو و ارائه الگوی مناسب و قابل‌اجراء برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران رابطه وجود دارد.

(۴) بین آسیب‌شناسی روابط فرهنگی بین‌المللی (شناسایی و تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف محیط داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیط خارجی روابط فرهنگی) و طراحی مدل مطلوب برای دیپلماسی فرهنگی ایران رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

روش کار این پژوهش بصورت توصیفی و کاربردی خواهد بود که نخست با مطالعه کتابخانه‌ای نظریات و تئوریهای مختلف فرهنگی، نقش فرهنگ در

شکل‌گیری سیاست خارجی، و همچنین ساز و کارهای دیپلماسی فرهنگی، مطالعه تطبیقی مدل‌ها و الگوهای دیپلماسی فرهنگی سایر کشورها و در نهایت آسیب‌شناسی روابط فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی را بررسی خواهیم کرد و بهره‌مندی از این نظریات و تجربیات در این حوزه سخن خواهیم گفت. همچنین از تجربه نمایندگان فرهنگی جمهوری در خارج از کشور و مدیران و کارشناسان فرهنگی با تجربه فعالیت فرهنگی در خارج از کشور به منظور تحقق بخشیدن به طراحی مدل دیپلماسی فرهنگی از طریق مصاحبه (از طریق روش پژوهش میدانی به صورت پیمایشی از نمونه آماری) با تعدادی از این افراد برای کسب اطلاعات معتبر و موثق در خصوص راهکارهای موثر در این حوزه، از دیگر روش استفاده شده در این پژوهش است. و در نهایت از ترکیب نتایج بدست آمده از این روش‌ها یک مدل بومی و عملیاتی برای دیپلماسی فرهنگی در عرصه سیاست خارجی معرفی خواهیم کرد.

اعتبار و روایی ابزارهای اندازه‌گیری

منظور از اعتبار آزمون، دقت اندازه‌گیری و اثبات و پایایی آن است منظور از دقت اندازه‌گیری این است که نمره کسب شده هر متغیر تا چه حدی می‌تواند بیانگر نمره واقعی آن باشد. داده‌های جمع‌آوری شده را محک می‌زنیم تا مشخص گردد اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه تا چه میزان با واقعیت‌های اجتماعی تطبیق دارند. برای این منظور ضریب آلفای کرونباخ را محاسبه می‌نمایم. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه برای ۵۵ گویه برابر ۰,۷۳۰ می‌باشد هر چقدر ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده به عدد یک نزدیکتر باشد به این معنی است که گویه‌ها از نظر درونی با هم همبستگی دارد.

متغیرهای پژوهش و رابطه بین آنها

بنابراین متغیرهای اصلی پژوهش عبارتند از:

(۱) مؤلفه‌های فرهنگی (۲) سیاست خارجی

در این پژوهش مؤلفه‌های فرهنگی به عنوان متغیر مستقل و سیاست خارجی به عنوان متغیر وابسته نقش ایفا می‌کنند. رابطه فرهنگ و سیاست خارجی فرضیه مثبت است یعنی هر چه بهره‌گیری از مؤلفه‌های فرهنگی صحیح‌تر باشد سیاست خارجی تقویت خواهد شد. دیپلماسی فرهنگی ابزار خاص اجرای سیاست خارجی می‌باشد هر چه ساز و کار دیپلماسی فرهنگی درست تبیین شده باشد سطح همکاری‌های بین‌المللی ارتقاء پیدا می‌کند و منافع ملی و اهداف سیاست خارجی به درستی تحقق پیدا خواهد کرد. بررسی تطبیقی الگوها و مدل‌های دیپلماسی فرهنگی کشورهای دیگر و شناسایی نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدهای روابط فرهنگی منجر به تبیین ساز و کار درست و صحیح دیپلماسی فرهنگی و در نتیجه تقویت و بالندگی سیاست خارجی می‌شود.

جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش عبارتند از رایزنان فرهنگی، وابستگان فرهنگی، مسئولین خانه‌های فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور و مدیران و کارشناسان فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی که حداقل یک دوره سه ساله مسئولیت مدیریت فعالیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را در خارج از کشور (در قاره‌ها و کشورهای مختلف) تجربه کرده باشند می‌باشد.

تعیین اندازه نمونه

برای تعیین اندازه نمونه، پرسشنامه طراحی شده بین ۱۵ نفر از مخاطبین جامعه مورد مطالعه توزیع شده انحراف استاندارد ۰/۲۴۷/ محاسبه گردید و سپس به

محاسبه تعیین اندازه جامعه نمونه با احتمال ۵ درصد خطا با توجه به فرمول مربوطه پرداختیم. نتیجه این که اگر بخواهیم نظر جامعه نمونه بیانگر نظر جامعه اصلی باشد، باید ۷۵ پرسشنامه بین مخاطبین توزیع گردد برای اطمینان، ۱۵۰ پرسشنامه توزیع گردید که اطلاعات ۷۸ تا از پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده در بخش گزینه‌های پنج‌گزینه‌ای و پرسشنامه تشریحی قابل استفاده بوده است کل جامعه مورد بررسی ۲۱۰ نفر از مدیران و کارشناسان حال و سابق سفارت‌خانه‌ها و نمایندگی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور می‌باشند.

روش‌های گردآوری اطلاعات

با توجه به استفاده از روش ترکیبی در این پژوهش (اسنادی، میدانی) روش گردآوری اطلاعات به دو صورت بوده است:

- (۱) به دلیل متکی بودن موضوع به پژوهش و شناسایی مولفه‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و همچنین عوامل تاثیرگذار در سیاست خارجی کشورمان و همچنین بررسی ساز و کارهای دیپلماسی فرهنگی و آسیب شناسی روابط فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی، اطلاعات مورد نیاز این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و از طریق فیش برداری گردآوری شده است.
- (۲) برای گردآوری نگرش مسئولین فرهنگی کشور در نمایندگی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور و مدیران و کارشناسان فرهنگی با تجربه فرهنگی در خارج از کشور از پرسشنامه استفاده شده است.

روش تجزیه تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از دو روش آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده می‌شود بدین

صورت که با استفاده از نرم افزار SPSS و روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد و نمودار) و روش آمار استنباطی (جهت استنباط و تعمیم نتایج پژوهش) به تجزیه و تحلیل شاخص‌های پرسشنامه پژوهش پرداخته می‌شود.

چارچوب نظری

شاید بتوان مهمترین دستاوردهای هر حوزه مطالعاتی را با میزان و کیفیت دستاوردهای نظری آن سنجید، زیرا نظریه‌ها هستند که به یک بیان، شناخت را در یک هم نهاد ترکیب می‌کند و جهان را در کل با ایجاد ارتباط میان پدیده‌هایی که به ظاهر نامرتب و بی معنا هستند، برای ما معنادار می‌کنند. در این پژوهش به طور خلاصه به بررسی سه نظریه مرتبط با موضوع پژوهش می‌پردازیم:

۱) نظریه سازه انگاری^۱

از جمله نظریاتی است که با در نظر گرفتن تحولات و دگرگونی عرصه بین الملل به تحلیل مسائل در این عرصه می‌پردازد. مکتب سازنده‌گرایی را بدین دلیل پایه بحث قرار است که اعتقاد به تحول روابط بین‌الملل بر اساس تعامل میان سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی دارد که در روند متقابل، جامعه بین‌المللی را تشکیل می‌دهند. (بشیر ۱۳۸۶، ۱۷۷)

سازه انگاری رویکردی است که پیش از طرح در روابط بین‌الملل، در جامعه شناسی معرفت و مباحث فرانظری در کل علوم اجتماعی مطرح بوده است. ریشه‌های آن در جامعه شناسی حداقل به مکتب شیکاگو و پدیدار شناسی بر می‌گردد. در این نگرش برساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌شود. جهان چیزی که تلقی می‌شود که ساخته و ابداع شده و نه چیزی که بتوان آن را طبیعی، مسلم و یا موجودی از قبل داده شده فرض کرد. به بیان دیگر، از این منظر، امکان دسترسی مستقل و بی واسطه به جهان وجود ندارد.

همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرند و معنا پیدا می‌کند و این معنا سازی است که کم و بیش به واقعیت جهان شکل می‌دهد. به یک بیان، جهان اجتماعی، شبکه‌های تفسیری است که افراد و گروه‌های انسانی آنها را شکل می‌دهند. به بیان نیکلاس اونف، سازه انگاری از «کردارها» شروع می‌شود؛ یعنی آنچه انجام می‌شود، اعمالی که صورت می‌گیرند و کلماتی که گفته می‌شوند.

سیاست بین الملل از دید سازه‌انگاران به عنوان یک برساخته اجتماعی، قلمروی اجتماعی است که ویژگی‌های آن در نهایت از طریق ارتباطات و تعامل میان واحدهای آن تعیین می‌شود. (هادیان ۱۳۸۲، ۹۱۸)

نخستین گزاره، مهم هستی شناسانه سازه انگاری این است که ساختارهای فکری و هنجاری نیز به اندازه ساختارهای مادی (مورد توجه نو واقع گرایان) اهمیت دارند. زیرا نظام‌های با معنا هستند که تعریف می‌کنند کنش گران چگونه باید محیط مادی خود را تفسیر کنند. (هادیان ۱۳۸۲، ۹۱۸)

ساختارها و عوامل معنایی که در شکل ارزشها هنجارها نمود پیدا می‌کنند به دو شیوه بر رفتار دولتها اثر می‌گذارند. مطابق با شیوه اول ارزشها و هنجارها همانند قواعدی عمل می‌کنند که هویت را می‌سازند و تعیین می‌کنند و از این رو تأثیر تکوینی^۲ دارند. این هنجارها و ارزشها هویت دولت‌ها را ساخته و تکوین می‌کنند و منافع و رفتار دولت‌ها مطابق با این هویت ساخته شده و تکوین یافته، ایجاد می‌شود. در شیوه دوم، هنجارها اثر تنظیمی^۳ بر رفتار دولت دارند (یان کلارک ۱۳۸۲، ۸)

دومین گزاره، هویت‌ها هستند که به منافع و کنش‌ها شکل می‌دهند. فهم اینکه منافع چگونه شکل می‌گیرند کلید تبیین طیف وسیعی از پدیده‌های بین المللی تلقی می‌گردد که درست درک نشده‌اند یا مورد غفلت قرار گرفته‌اند. (هادیان ۱۳۸۲، ۹۱۸)

جایگاه قدرت کشورها و تغییرات نسبی در آن است، برداشت از «تهدید» بودن یا نبودن کنش‌گر خاصی برای نظم و امنیت دیگران (همسایگان، قدرتهای بزرگ و...) است؛ ثالثاً تلاش برای ایجاد دگرگونی از طریق سیاست خارجی زمانی معنا دارد که با زبان قابل فهم برای دیگران و در چارچوب فهم بین‌الذهانی موجود باشد. (هادیان ۱۳۸۲، ۹۳۹)

۲) نظریه همگرایی:

به طور کلی در نظریه همگرایی، دانشمندان به دنبال توضیح شرایط و عواملی هستند که بر مبنای آنها امکان از میان رفتن مرزهای سیاسی و دیوارهای حاکمیت مطلق دولتهای ملی فراهم می‌آید و موجودات سیاسی جدیدی که پاره‌ای از اختیارات و صلاحیتهای دولتهای ملی به آنها تفویض شده به وجود می‌آیند. در این نظریه‌ها ضرورت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی‌ای تشریح می‌گردد که باعث می‌شوند نیازهای جدیدی ظهور و بروز یابند که دولتهای ملی توان برآورده ساختن آنها را ندارند. لذا زمینه به وجود آمدن نهادها و تشکلهای فراملی پدید می‌آیند که توان و امکان برآورده ساختن نیازهای تازه را داشته باشد. این نهادها پایه و اساس هویت‌های سیاسی جدیدی هستند که دولتهای ملی به طور داوطلبانه بخشی از اختیارات و صلاحیتهای خود را به آنها تفویض می‌کنند. در حقیقت فرایند همگرایی از پیدایش نیازهای جدید آغاز می‌شود. نیازهای جدیدی که موجب می‌گردند وفاداری انسان نسبت به دولتهای ملی کم‌رنگ شده و به سوی نهادهای فراملی سوق داده شود که می‌توانند آنها را برآورده سازند (سلیمی ۱۳۸۵، ۷۸) اکثر نظریه‌پردازان همگرایی، ارتباطات و کنش متقابل فرهنگی از مهمترین کارکردهایی است که می‌تواند زمینه ساز همگرایی منطقه‌ای و جهانی و جهانی شود. گسترش ارتباطات و روابط فرهنگی بحث می‌شود که

رفتار و منافع دولت‌ها تابع هویت آنهاست و قابل تغییر و دگرگونی است بدین ترتیب از آنجایی که هویت دولت‌ها ثابت و یکسان نیست، از این رو امکان بروز رفتارهای متفاوت از دولت‌ها وجود دارد که این خود ناشی از تاثیرگذاری گفتمان فکری حاکم بر جامعه داخلی و همچنین ماهیت چانه‌زنی‌های داخلی بین جامعه مدنی و دولت است. (یان کلارک ۱۳۸۲، ۸)

براساس گزاره سوم: کارگزاران و ساختارها به

هم متقابلاً شکل می‌دهند. ساختارهای اجتماعی نسبتاً پایدار از طریق تعامل با کارگزاران شکل می‌گیرند و تشخیص می‌یابند و این خود در قالب زمینه‌ای صورت می‌گیرد که در آن هویت و منافع بازیگران تعریف می‌شود. (یان کلارک ۱۳۸۲، ۹)

از دیدسازه‌انگاران کنش‌گران نظام بین‌الملل در جهانی زندگی می‌کنند که به واقع حاصل فهمی بین‌الذهانی و مشترک است. به عبارت دیگر، کنش‌گران در طول زمان و با رویه‌ها و اقدامات خود براساس فهمی که از «واقعیت» نظام، روابط حاکم بر آن، دوستی و دشمنی و... داشته عمل کرده و حاصل آن وضع موجود است. پس این وضع نه طبیعی بوده است و نه اجتناب‌ناپذیر. در نتیجه، امکان دگرگون ساختن آن نیز هست. اما همانگونه که شکل‌گیری آن محصول تعاملات، رویه‌ها، و فهم مشترک بوده است، تغییر آن نیز به همین گونه است. پس اگر سیاست خارجی کشوری در جهت تغییر عمل می‌کند باید در چارچوب فهمی بین‌الذهانی به دنبال تغییر باشد و اگر براساس فهمی غیرمشترک با دیگران عمل کند می‌تواند باعث ایجاد و یا تشدید کژفهمی، تخاصم، انزوای خود و... شود و به جای تغییر نظام خود را در معرض فشار و حتی نابودی قرار دهد. پس از این منظر، اولاً رویه‌های دولت‌ها و تعاملات میان آنها در تعیین دوستی‌ها و دشمنی‌ها نقش دارد، زیرا برداشتها از این تعاملات حاصل می‌شوند؛ ثانیاً در این نظام آنچه که مهمتر از

حامی روابط رسمی میان دولت‌ها هستند. زبان فرهنگ زبان ملایمی است که می‌تواند روابط رسمی را همراه با تفاهم همچنان زنده نگه دارد. روابط میان کشورها چنانچه به عرصه‌های فرهنگی کشیده شود نه تنها در سطح رسمی باقی می‌ماند بلکه پیوندهای گسترده‌تری را میان ملتها ایجاد می‌کند.» (سلیمی ۱۳۷۹، ۶۹).

ادبیات پژوهش

اگر بخواهیم از تأثیرگذاری و یا نقش فرهنگ در روابط بین الملل سخن بگوییم، صرفاً نباید و نمی‌توان در قالب یک پژوهش تجربی به آزمون یک فرضیه منجر پرداخت. گرچه می‌توان شواهدی تاریخی و اجتماعی برای آن آورد ولی با برداشتهای نوینی که از مفهوم فرهنگ و نیز مفهوم جهان و جهانی شدن صورت گرفته است نمی‌توان بررسی آن را صرفاً در قالب پژوهشهای اثبات گرایانه به انجام رساند. بررسی مفصل‌تر نظریه‌ها و اندیشه‌های مختلف امکان شناخت جریان و گرایش کلی موجود در اندیشه‌های مختلف را نشان می‌دهد و خودگویای وجود آن نقش و آن تأثیر در عرصه جهانی است. هنگامی که فرهنگ به عنوان مفهومی غالب در نظریه متفکران مختلف شکل می‌گیرد و دیده‌عاملی اساسی و تعیین‌کننده در فرایندهای جهانی بدان نگرسته می‌شود و هنگامی که توجه به فرهنگ و فرهنگ‌گرایی به اشکال متنوع، به جریانی مهم و تحول بخش در فهم امر جهانی بدل می‌شود، این به معنی آن است که نقش مهم و سرنوشت‌سازی درحیات اجتماعی انسان یافته است (سلیمی ۱۳۸۵: ۶۵)

تأثیر فرهنگ بر سیاست خارجی کشورها و روابط بین الملل انکارناپذیر است تنها نیم‌نگاهی به تاریخ تحولات روابط بین الملل نشان می‌دهد که چگونه اقوام و ملت‌های گذشته با توسل به مشترکات فرهنگی خویش و یا باور به رویکرد غیریت‌سازی به تنظیم سیاست خارجی پرداخته و روابط دوستانه یا خصم‌آمیز خود را

نیاز به همفکری و تبادل فرهنگی در جوامع رشد یابد. علاقمندی مردمان مختلف از فرهنگهای متفاوت به یکدیگر موجب می‌شود که دیوارهای میان آنها فرو ریزد و آنان خواستار محصولات فرهنگی یکدیگر شده و نیاز تازه‌ای برای بهره‌گیری از فرآورده‌های مختلف فرهنگی و نیز همکاری‌های نوین فرهنگی پدید آورند. این امر نه تنها می‌تواند ناسیونالیسم فرهنگی و تقابل‌ها و تعارض‌های ناشی از آن را تقلیل دهد بلکه می‌تواند به نزدیکتر شدن دیدگاه‌ها، ارزشها و اندیشه‌های موج در جوامع مختلف بیانجامد. بنابراین فرهنگ می‌تواند نقش مهمی در گسترش همکاری و همفکری بین المللی و نیز زمینه‌سازی برای همگرایی ملتها داشته باشد. (سلیمی ۱۳۸۵، ۷۹)

۳) تئوری قدرت نرم

دیپلماسی فرهنگی نمونه بارز و اعلاای اعمال قدرت نرم می‌باشد که به کشورها این امکان و توان را می‌دهد که در طرف مقابل نفوذ کرده و او را از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها ترغیب به همکاری نمایند. (حسن خانی ۱۳۸۶، ۲۲۷) قدرت نرم، امپریالیسم فرهنگی و به تعبیر گرامشی «هژمونی فرهنگی» سه مفهوم قریب و دارای حوزه معنایی کم و بیش مشترکی هستند. آنچه از فحوای کلمات اندیشمندان در توضیح واژه نسبتاً جدید «قدرت نرم» بر می‌آید این که قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارایه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بردیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است. این قدرت معمولاً در مقابل قدرت نظامی و تسلیحاتی و به عبارتی قدرت سخت و خشن به کار می‌رود (فروند ۱۳۶۸، ۲۴۴) توأم ساختن دیپلماسی معمول با روابط فرهنگی گسترده نیز از جمله عوامل مولد قدرت نرم است: «روابط فرهنگی زمینه‌ساز و

گستره سیاست بین‌الملل، ایده، سازمان و منافع سیاست خارجی را به صورت همزمان تحت تأثیر قرار داده و معنای این سخن ضرورت بازانديشي محتوایی - سازمانی در الگوی سیاست خارجی کلیه بازیگران است. (افتخاری ۱۳۸۶، ۱۴۵) حال پس از روشن شدن تاثیر و نقش فرهنگ در سیاست خارجی در ادامه به بررسی موضوعات مرتبط، مفاهیم و اصطلاحات مهم بکار رفته در پژوهش خواهیم پرداخت:

روابط بین فرهنگی

ارتباط، تعاریف متعددی دارد که سماور و همکارانش ۱۲۶ مورد آن جمع‌آوری کرده‌اند به طور کلی ارتباط را می‌توان شکلی از کنش متقابل دانست که از طریق نمادها صورت می‌گیرد. نمادها ممکن است اشاره‌ای، تصویری، تجسمی و لفظی باشند که به منزله محرکه رفتار عمل می‌کنند. این برداشت از مفهوم ارتباطات، بسیار قدیم و وسیع است و شامل جنگ، مهاجرت و انتقال فناوری نیز می‌شود. مفهوم ارتباطات بین فرهنگی مفهوم جدیدتری است که از دهه ۱۹۵۰ مطرح شده و گسترش یافته و در شرایط کنونی به دانشی بین رشته‌ای تبدیل شده است.

ارتباطات بین فرهنگی، هر نوع اطلاعات مبادله شده میان شخص پیامگیر و منبع انتقال دهنده پیام است که ویژگی‌های متفاوتی از فرهنگ دریافت کننده پیام دارد. منبع چنین پیامی می‌تواند فرآیند ارتباط شخصی یا شکل دیگری از رسانه باشد. ارتباط بین فرهنگی در کلی‌ترین مفهوم، زمانی رخ می‌دهد که عضوی از یک فرهنگ، پیامی را برای عضوی از فرهنگ دیگر ارسال می‌کند. به بیان دقیق‌تر، ارتباط بین فرهنگی ارتباط بین آن دسته از مردمی است که ادراکات فرهنگی و سیستم‌های نمادین شان به آن اندازه‌ای مجزا می‌باشد که رویداد ارتباطی را شکل دهد. این ارتباط گاه به صورت ارتباط میان مردم با فرهنگ‌های مختلف، به

بادیگران براساس مشترکات و تفاوت‌های فرهنگی پایه‌گذاری نموده‌اند. در این میان بررسی نقش باورهای مذهبی به عنوان مؤلفه‌های مهم و اثرگذار تأمل برانگیز است چه اینکه پایه بسیاری از منازعات پیشینیان در اقصی نقاط جهان بحثها و جدالهایی متأثر از عقاید دینی، مذهبی بوده است جنگهای صلیبی، کشمکش‌ها و مناقشات درون قاره‌ای اروپائیان، رویارویی امپراتوری‌هایی همچون ایران و روم... همه و همه براساس تضاد و تخالف فرهنگی بوقوع پیوسته و ذاتاً نوعی تنش یا رقابت با ارزشهای فرهنگی حریف را در خود مستتر داشته‌اند. بنابراین اگر چه اهمیت فرهنگ در روابط میان ملتها در مقطع زمانی قابل توجه‌ای تحت الشعاع سایر عوامل نظیر پارادایم قدرت قرار گرفته و گاه جلوه‌ای کمرنگ داشته است اما به هیچ روی نمی‌توان نقش نهان و آشکار آن را در مراودات جهانی نادیده انگاشت. با این مقدمه، اکنون نقش فرهنگ در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل مختصراً و در دو بخش مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد. (حقیقی ۱۳۸۶، ۴۲)

از نظر جامعه‌شناسی روابط بین‌الملل، تاثیر فرهنگ بر سیاست خارجی در سه سطح قابل بررسی است:

۱) تأثیر عام بر عام: در این صورت فرهنگ بعنوان پدیده عام علت شکل‌گیری ذهنیت ملی شده و بدین وسیله بر سیاست خارجی اثر غیر مستقیم می‌گذارد؛

۲) تأثیر عام بر خاص: یعنی تاثیر فرهنگ بر افرادی که در تصمیم‌گیری‌ها در زمینه سیاست خارجی نقش دارند؛

۳) تأثیر نهادی: تاثیر طبیعی سازمان‌های فرهنگی بر نهادهایی که در طراحی سیاست خارجی است. (سنائی، ۱۳۸۴، ۹)

خلاصه کلام آن که ملاحظیات فرهنگی به دلیل تبدیل شدن به یک منبع قدرت مستقل و مؤثر در

سیاست خارجی پیوند دهد. سیاست فرهنگی خارجی باید به طور دراز مدت تنظیم شود و شبکه‌ای جهانی با مؤسسات فرهنگی و مخاطبان خاص خود را برای گفتگو با جوامع و فرهنگ‌های دیگر ایجاد کند. (رولاند، پیچ ۱۳۸۶، ۳۸)

دیپلماسی در واقع فن مدیریت تعامل با جهان خارج از سوی دولتها می‌باشد قطعاً ابزارها و مکانیسمهای متعددی برای اعمال این مدیریت می‌توان به کار گرفت. ملاحظات سیاسی، اقتصادی و امنیتی سه حوزه سنتی بنیادین و کلاسیک در عرصه بین الملل است که سیاست خارجی کشورها در آن اعمال می‌شود. با این حال به باور بسیاری از اندیشمندان و صاحب نظران عرصه بین المللی به طور عام و بعد از پایان جنگ سرد به طور خاص فرهنگ و مولفه‌های فرهنگی رکن چهارم سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد که در بسیاری از مواقع لایه‌های زیرین سه حوزه دیگر نیز از آن منبعث می‌گردد. (حسن خانی ۱۳۸۶، ۲۲۵)

در ادبیات روابط بین الملل و سیاست خارجی تعاریف مختلفی از دیپلماسی فرهنگی به عمل آمده است که تعاریف ذیل در زمره گویاترین این تعاریف‌اند:

فرانک نینکوویچ دیپلماسی فرهنگی را تلاش برای سطح ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان با هدف طراحی و بنیاد نهادن تفاهم‌نامه‌ها و توافقاتی بر اساس ارزش‌های مشترک می‌داند این در حالی است که بنا به تعریف گیفورد مالون دیپلماسی فرهنگی عبارت است از معماری یک شاهراه دوطرفه به منظور ایجاد کانال‌هایی برای معرفی تصویر واقعی از سایر ملت‌ها و فهم ارزش‌های آنها. در تعریف میلتون کامینگز، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، سبک زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات برای دستیابی به مفاهیم مشترک و

طور مکرر ایجاد می‌شود. البته این ارتباط سطوح مختلفی همچون روابط فرد با فرد، فرد با فرهنگ ملی، فرهنگ‌های درون یک جامعه و فرهنگی‌های ملی در جوامع مختلف با همدیگر دارد و در سطح فراملی، در جریان رابطه فرهنگی، فرد در معرض سایر ارزش‌های فرهنگی قرار می‌گیرد و در نتیجه فرآیندی انعکاسی آغاز می‌شود که موجب تعامل مثبت بین اشخاص و فرهنگ‌ها می‌گردد. (قمری ۱۳۸۴، ۵۹)

سیاست خارجی هر کشور عبارت است از مجموعه‌ی خط‌مشی‌ها، تدابیر روش‌ها و انتخاب موضوعی است که یک دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی در چهارچوب اهداف و منافع کلی حاکم بر نظام سیاسی اعمال می‌نماید. (امیری ۱۳۸۵، ۱۵)

منظور ما از سیاست خارجی در این پژوهش الگوهای رفتاری است که یک دولت یا نظام برای دستیابی به اهداف و منافع خود در رابطه با سایر دولت‌ها و بازیگران منطقه ای و بین المللی اتخاذ می‌کند. در چارچوب سیاست خارجی، عامل فرهنگی - که در عین حال می‌تواند عامل دینی نیز باشد - نقشی تعیین کننده ایفا می‌کند. به عبارتی، سیاست فرهنگی خارجی اساساً یک جزء لاینفک را در سیاست خارجی پدید می‌آورد. در این امر شکی نیست که روابط بین‌الملل کارآمد به مبنای فرهنگی نیازمند است. از این رو سیاست فرهنگی و آموزشی خارجی موظف است تا این مبنا را به نحوی توانمند تثبیت سازد و تحکیم بخشد. در کنار تقویت روابط سیاسی و حمایت از اقتصاد خارجی، این وظیفه سزاوار سیاست فرهنگی خارجی است که امکاناتی را ایجاد کند تا مردم کشورهای مختلف به منظور تحکیم صلح جهانی به یکدیگر نزدیک‌تر شوند. آن‌گاه سیاست فرهنگی خارجی می‌تواند بزرگ‌ترین تأثیر ممکن را شکوفا سازد و ارزش فرهنگی خویش را با دیگر عوامل یاد شده در

ساز و کارها و ابزارهای فرهنگی در چارچوب دیپلماسی فرهنگی است. (حسن خانی ۱۳۸۶، ۲۲۹)

این موضوع نیز در این پژوهش مدنظر بوده و به عنوان فرضیه دوم پژوهش مورد بررسی قرار دادیم که به آن خواهیم پرداخت. در ادامه با توجه به موضوع پژوهش به منظور آشنایی با دیپلماسی فرهنگی کشورهای پیشرو در امر دیپلماسی فرهنگی و استفاده از تجربیات آنان در طراحی مدل دیپلماسی فرهنگی با در نظر گرفتن ویژگیهای نظام فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مطالعه انجام شده در مورد بررسی تطبیقی دیپلماسی فرهنگی نه کشور (استرالیا، اتریش، فرانسه، کانادا، ژاپن، هلند، سنگاپور، سوئد، و انگلیس) را مورد مطالعه قرار دادیم. در این ارتباط فرضیه سوم پژوهش را مطرح کردیم و فلسفه، اولویتها، برنامه‌ها، ساختار، و مقیاس فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی کشورمان را با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از نظرات خبرگان این حوزه مورد بررسی قرار دادیم و نهایتاً با نگاهی دقیق به مفهوم مدیریت و برنامه‌ریزی استراتژیک می‌توان به ضرورت استفاده از آن پی برد. توجه به این که فعالیت‌های فرهنگی در سطح بین‌المللی صورت می‌گیرد و با تغییرات محیطی زیادی برخوردار است و از طرفی پیچیده شدن تصمیمات سازمانی لزوم بکارگیری برنامه‌ای جامع برای مواجهه با این‌گونه مسائل بیشتر از گذشته ملموس می‌شود و این چیزی جز برنامه استراتژیک نیست. گذشت سه دهه از فعالیت‌های فرهنگی تبلیغی در خارج از کشور، و تحولات چشمگیر در عرصه بین‌الملل و بروز فرصت‌ها و تهدیدهای جدید برای نظام، ایجاب می‌کند سامانه و نظام فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد بازنگری و آسیب‌شناسی قرار گیرد. این بازنگری با بهره‌گیری از تجارب گذشته و اتخاذ رویکردهای جدید می‌تواند به مهندسی این سامانه، جهت دستیابی نظام مقدس جمهوری اسلامی

تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها. هدف اساسی دیپلماسی فرهنگی ارائه دیدگاه روشن و موجه نسبت به فرهنگ ارزشی و رفتاری نظام برای بازیگران مختلف عرصه بین‌الملل شامل: دولتها، سازمانهای دولتی بین‌المللی و غیردولتی، نهادهای جوامع مدنی و افکار عمومی است. (حسن خانی ۱۳۸۶، ۲۲۶)

دیپلماسی فرهنگی بیشتر شامل فعالیت‌های فرهنگی رسمی دولتها با یکدیگر است. دولتها چه در قالب معاهدات دو یا چند جانبه و چه در قالب دیگر فعالیت‌های رسمی فرهنگی سعی در معرفی و ارائه شاخصهای فرهنگی کشور خود می‌کنند و یا سعی می‌کنند که مشخصات هویت فرهنگی خود را باز نمایند. دیپلماسی فرهنگی عرصه‌ای است که دولتها در آن فرهنگ خود را در قالب‌های رسمی ارائه می‌کنند و یا اجازه چنین فعالیتی را به طرف مقابل می‌دهند. اما روابط فرهنگی بسیار گسترده‌تر از این است. روابط فرهنگی شامل فعالیت‌های فرهنگی و تأثیر و موسسات و نهادهای خصوصی و غیردولتی بر یکدیگر نیز می‌شوند. از نظر مایکل روابط فرهنگی اعم از دیپلماسی فرهنگی است که با توسعه موسسات خصوصی فرهنگی و گسترش ارتباطات، ابعاد گسترده جدیدی یافته است. (سلیمی ۱۳۸۵، ۶۷)

روش‌ها و مکانیسم‌هایی را که بتوان بوسیله و در پرتو آنها از فرهنگ و قابلیت‌های فرهنگی در خدمت دیپلماسی بهره‌برداری کرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. جستجو برای یافتن ابزار و روش‌های اعمال دیپلماسی فرهنگی، ما را به فرهنگ و سنن ملتها باز می‌گرداند زیربنای نهادهای سیاست فرهنگی، مفاهیم و تعهداتی است که ملتها برای خویشتن در مقابل جهان قائل شده‌اند. کامیابی و موفقیت در سیاست خارجی بطورعام و درحوزه تغییر چهره و تصویر یک کشور در جوامع دیگر بطور خاص، در گرو استفاده درست از

فرض مخالف: بین مؤلفه‌های فرهنگی و سیاست خارجی رابطه وجود ندارد. باتوجه به فراوانی مورد مشاهده در جدول شمار(۱) کای-اسکوئر از دیدگاه جامعه مورد مطالعه بین مؤلفه‌های فرهنگی و سیاست خارجی رابطه وجود دارد.

جدول (۱): جدول کای اسکوئر آزمون فرضیه اول

گزینه	مورد مشاهده	مورد انتظار	انحراف
بدون پاسخ	*	*	*
خیلی کم	*	*	*
کم	*	*	*
متوسط	6	۲۶/۰	-20.0
زیاد	61	۲۶/۰	35.0
خیلی زیاد	11	۲۶/۰	-15.0
جمع	78		
			f
Chi-Square مقدار کای-اسکوئر			71
df درجه آزادی			2
Asymp. Sig. درصد خطا			۰.۰۰۰
ضریب توافقی $C=(71/(71+78))^{0.5}=0.7$			

به منظور حصول اطمینان از وجود رابطه فرهنگ با سیاست خارجی آزمون وجود استقلال بین دو گروه (ضعیف و قوی) یعنی کای-اسکوئر را اجرا کردیم. این فرضیه، با توجه به فراوانی مورد مشاهده از دیدگاه جامعه مورد مطالعه، و درصد خطای محاسبه شده کمتر از ۰/۰۵ فرض مخالف رد شده است و با ۰/۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت از دیدگاه جمعیت نمونه بین مؤلفه‌های فرهنگی و سیاست خارجی رابطه وجود دارد. و با توجه به اندازه ضریب توافقی ($C=0.70 < 1$) که دارای فاصله نسبتاً زیادی بود، می‌توان این‌گونه

به جایگاه برتر فرهنگی بعنوان کشوری تأثیرگذار، الهام بخش، و قاعده ساز در منطقه، جهان اسلام و عرصه بین الملل و گسترش و تعمیق اقتدار معنوی اسلام و نظام اسلامی درجهان، مطابق با آرمان‌های نظام در افق انقلاب اسلامی منجر شود. در این ارتباط فرضیه چهارم را مورد بررسی قرار دادیم که به آن خواهیم پرداخت. در این پژوهش از طریق داده‌های دریافتی از آمار توصیفی و آمار استنباطی با بهره‌گیری از فرضیه‌ها و سئوالات مربوطه به پژوهش به بررسی یافته‌های پژوهش می‌پردازیم:

بررسی فرضیه اول

«مؤلفه‌های فرهنگی نقش اساسی و بنیادین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد». مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار در سیاست خارجی در ارتباط با فرضیه اول نظیر(تأثیر فرهنگ از طریق ارزشهای ملی و دینی، باورها، اسطوره‌ها، قواعد و هنجارها اشتراکات تاریخی فرهنگی و تمدنی اسلامی ایرانی، تأثیر شخصیت افراد تصمیم‌گیر در یک نظام و نهادهای سیاست‌گذار، تأثیر یکپارچگی قومی، مذهبی اجتماعی، تأثیر زبان به عنوان مهمترین جلوه فرهنگ و اساسی‌ترین ابزار ارتباطات، جایگاه علمی و تخصصی، بهره‌گیری از رسانه‌های نوین مانند اینترنت، ماهواره، نشریات مکتوب، و تأثیر فعالیت‌های فرهنگی رایزنی‌های فرهنگی، سفارت خانه‌ها و مراکز گسترش زبان در کشورهای خارجی) استخراج شد و از طریق پرسشنامه به صورت جداگانه از نظر جامعه مورد مطالعه، مورد بررسی قرار گرفت. اکنون به بررسی نتیجه آزمون فرضیه اول می‌پردازیم:

آزمون فرضیه اول

فرضیه اول: بین مؤلفه‌های فرهنگی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران رابطه وجود دارد.

کشور و استفاده از ظرفیت‌های قانونی و فرهنگی جوامع میزبان، ایجاد زمینه و حمایت از حضور فعال بخش‌های مختلف دولتی و غیر دولتی جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی و منطقه‌ای، بازرنگری در وظایف و ساختار تشکیلاتی دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌های فرهنگی فعال در خارج از کشور) را استخراج کرده و از نظر جامعه نمونه، مورد بررسی و ارزشیابی قرار دادیم که اکنون به بررسی نتیجه آزمون فرضیه دوم می‌پردازیم.

آزمون فرضیه دوم

بین ساز و کارهای کنونی دیپلماسی فرهنگی و توان و ظرفیت و قدرت فرهنگی تناسبی وجود ندارد. فرض مخالف: بین ساز و کارهای کنونی دیپلماسی فرهنگی و توان و ظرفیت و قدرت فرهنگی تناسبی وجود دارد.

جدول (۲): جدول کای-اسکوئر آزمون فرضیه دوم

انحراف	مورد انتظار	مورد مشاهده	گزینه
*	*	*	بدون پاسخ
*	*	*	خیلی کم
-13.5	19.5	6	کم
-7.5	19.5	12	متوسط
25.5	19.5	45	زیاد
-4.5	19.5	15	خیلی زیاد
		78	جمع
f			
47	Chi-Square	مقدار کای-اسکور	
3	df	درجه آزادی	
*,000	Asymp. Sig.	درصد خطا	
	ضریب توافقی	$C=(71/(71+78))^0.5=0.7$	

استنباط نمود که بین مؤلفه‌های فرهنگی و سیاست خارجی رابطه‌ای بسیار قوی وجود دارد. بنابراین تا اینجا به این نتیجه رسیدیم که فرهنگ نقش بنیادین در شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد و برای انتقال غنای نهفته در فرهنگ و تمدن باید با استفاده از مکانیسم‌ها و ابزارهایی از همان جنس به معرفی و انتقال آن به سایر ملل پرداخته و آن را در سیاست خارجی خود لحاظ کرد.

بررسی فرضیه دوم

فرضیه دوم پژوهش: «ساز و کارکنونی دیپلماسی فرهنگی کشورمان با ظرفیت‌ها و توانمندیهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تناسب ندارد» می‌باشد که در این ارتباط عواملی نظیر (وضعیت مدیریت مناسبات فرهنگی بین‌المللی و سیاست‌گذاری، انسجام، هماهنگی، هدایت، حمایت و نظارت فعالیت‌های فرهنگی - تبلیغی، میزان بهره‌مندی متولیان روابط فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی از مدیریت و برنامه ریزی استراتژیک، اهمیت رصد و پایش جریان و تحولات فکری و فرهنگی دنیا و جوامع میزبان و ارائه تحلیل‌های دقیق و جامع به منظور سیاست‌گذاری، اهتمام مسئولان متولیان روابط فرهنگی ایران با سایر کشورها را در خصوص شناخت و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی در کشورهای مختلف، ضرورت همکاری نمایندگی‌های سیاسی و فرهنگی در خارج از کشور، ضرورت و اهمیت هماهنگی و همکاری بین مدیریت امور فرهنگی داخل کشور و خارج از کشور، بررسی وجود موازی کاری، تداخل وظایف، تعدد تصمیم‌گیری، فقدان متولی برای برخی امور در عین تعدد متولی برای رشته‌های دیگر فعالیتی، در فعالیتهای فرهنگی، تبلیغی خارج از کشور، اهمیت حمایت از ایجاد و توسعه موسسات، مراکز و تشکل‌های مردمی در داخل کشور برای فعالیت‌های فرهنگی در خارج از

با توجه به فراوانی مورد مشاهده در جدول شماره (۲) کای-اسکوئر از دیدگاه جامعه مورد مطالعه بین ساز و کارهای کنونی دیپلماسی فرهنگی و توان و ظرفیت و قدرت فرهنگی تناسبی وجود ندارد حصول اطمینان از عدم وجود چنین تناسبی آزمون وجود استقلال بین دو گروه (ضعیف و قوی) یعنی کای-اسکوئر را اجرا می‌کنیم. چون درصد خطای محاسبه شده کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد در نتیجه فرض مخالف رد شده است پس با ۰/۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت از دیدگاه جمعیت نمونه بین ساز و کارهای کنونی دیپلماسی فرهنگی و توان و ظرفیت و قدرت فرهنگی تناسبی وجود ندارد.

بررسی فرضیه سوم

به منظور استفاده از تجربیات موفق کشورهای دیگر در زمینه دیپلماسی فرهنگی فرضیه سوم پژوهش را با عنوان «بین مطالعه تطبیقی الگوی دیپلماسی فرهنگی کشورهای پیشرو مدل مطلوب دیپلماسی فرهنگی ایران رابطه وجود دارد» مطرح کردیم در این ارتباط فلسفه، اولویتها، برنامه‌ها، ساختار، و مقیاس فعالیتها و همچنین سایر متغیرهای مرتبط با دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نظر خبرگان این حوزه استخراج گردید و برای حصول اطمینان، اطلاعات استخراج شده را در قالب پرسشنامه بین جامعه مورد مطالعه توزیع شد که نتیجه آزمون فرضیه بشرح زیر می‌باشد:

آزمون فرضیه سوم:

بین مطالعه تطبیقی الگوی دیپلماسی فرهنگی کشورهای پیشرو مدل مطلوب دیپلماسی فرهنگی ایران رابطه وجود دارد. فرض مخالف: بین مطالعه تطبیقی الگوی دیپلماسی فرهنگی کشورهای پیشرو مدل مطلوب دیپلماسی فرهنگی ایران رابطه وجود ندارد.

با توجه به فراوانی مورد مشاهده در جدول شماره (۳) کای-اسکوئر از دیدگاه جامعه مورد مطالعه بین مطالعه تطبیقی الگوی دیپلماسی فرهنگی کشورهای پیشرو مدل مطلوب دیپلماسی فرهنگی ایران رابطه وجود دارد. برای حصول اطمینان از وجود چنین رابطه‌ای آزمون وجود استقلال بین دو گروه (ضعیف و قوی) یعنی کای-اسکوئر را اجرا می‌کنیم. چون درصد خطای محاسبه شده کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد در نتیجه فرض مخالف رد شده است پس با ۰/۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت از دیدگاه جمعیت نمونه بین مطالعه تطبیقی الگوی دیپلماسی فرهنگی کشورهای پیشرو مدل مطلوب دیپلماسی فرهنگی ایران رابطه با توجه به اندازه ضریب توافقی ($0.57 < C < 0.5$) بین ۵۰ درصد و ۱۰۰ درصد و با حد متوسط دارای فاصله نسبتاً کمی می‌باشد بنابراین می‌توان این‌گونه استنباط نمود که بین مطالعه تطبیقی الگوی دیپلماسی فرهنگی کشورهای پیشرو مدل مطلوب دیپلماسی فرهنگی ایران رابطه با توجه نسبتاً قوی وجود دارد.

جدول (۳): جدول کای-اسکوئر آزمون فرضیه سوم

انحراف	مورد انتظار	مورد مشاهده	گزینه
*	*	*	بدون پاسخ
*	*	*	خیلی کم
*	*	*	کم
-16	26	10	متوسط
18	26	44	زیاد
-2	26	24	خیلی زیاد
		78	جمع
f			
22	df	Chi-Square	مقدار کای-اسکوئر
2	df		درجه آزادی
۰,۰۰۰	Asymp. Sig.		درصد خطا
		$C=(228/(38+78))^{0.5}=0.57$	ضریب توافقی

بررسی فرضیه چهارم

فرضیه چهارم مبنی بر اینکه «بین آسیب‌شناسی (SWOT) روابط فرهنگی بین‌المللی و مدل مطلوب دیپلماسی فرهنگی رابط وجود دارد» را بررسی می‌کنیم، در این ارتباط شش مؤلفه برای هر یک از عوامل آسیب‌شناسی (فرصت‌ها، تهدیدها و قوت‌ها و ضعف‌ها) با استفاده از نظرات خبرگان و مدیران با تجربه فرهنگی استخراج کرده و برای حصول اطمینان از صحت اطلاعات جامعه مورد مطالعه درخواست شد. ضمن ارزشیابی سئوالات در صورت داشتن نظر دیگر به صورت تشریحی موارد لازم دیگر را اضافه نمایند پس از جمع بندی نظرات و پاسخ سئوالات مطرح شده با استفاده از «آزمون فرید من»، میانگین رتبه و اولویت مؤلفه‌های شش‌گانه (فرصت‌ها، تهدیدها و قوت‌ها و ضعف‌ها) را یک بار نسبت به هر سؤال محاسبه کردیم و در نهایت اولویت هر سؤال را نسبت به سئوالات چهارگانه تعیین کردیم و در نهایت آزمون تایید یا رد فرضیه را اجرا کردیم.

میانگین رتبه	مؤلفه‌ها (نقاط ضعف دیپلماسی فرهنگی)
3.76	عدم شناخت و توجه کافی در مورد اهمیت فعالیت فرهنگی بین‌المللی
3.68	نا متناسب بودن محصولات و فعالیت‌های فرهنگی با ویژگی‌ها و نیازهای جامعه میزبان
3.6	فقدان نظام نظارت و ارزشیابی فعالیت‌های فرهنگی دستگاه‌های عامل
3.56	ناهماهنگی میان دستگاه‌های عامل در خارج از کشور
3.26	محدودیت‌های منابع مالی، انسانی و امکانات فرهنگی
3.14	فقدان ویا نارسایی اهداف، راهبرد ها و سیاست‌های مشخص

میانگین رتبه	مؤلفه‌ها (تهدیدات دیپلماسی فرهنگی)
3.87	جریان‌های فکری فرهنگی رقیب، مخالف و غرب
3.59	جریان رسانه‌ای قوی علیه ج.ا.ایران و توانایی آنها در ایجاد تصویر نادرست از اسلام، انقلاب
3.55	اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی
3.42	وجود تصویری نامناسب و غیرواقعی از ج.ا.ا.
3.32	محدودیت‌ها، ملاحظات و حساسیت‌های سیاسی امنیتی
3.25	محدودیت‌ها، حساسیت‌های قومی، مذهبی

میانگین رتبه	مؤلفه‌ها (فرصت‌های دیپلماسی فرهنگی)
3.68	وجود اسناد همکاری‌های فرهنگی و ظرفیت‌های قانونی مناسب
3.49	وجود پیوندهای دینی، فرهنگی، تاریخی
3.49	اقلیت‌های مسلمان، شیعه، ایرانی، و مهاجران همسو
3.47	استقبال‌نخبگان، محققان، اساتید و دانشجویان علاقه‌مند و همسو
3.45	ظرفیت و زمینه‌های همگرایی و منافع مشترک (سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی)
3.41	تصویر مناسب ج.ا.ایران و انقلاب اسلامی در نزد افکار عمومی

میانگین رتبه	مؤلفه‌ها (نقاط قوت دیپلماسی فرهنگی)
4.07	وجود پیشینه فعالیت‌های فرهنگی ج.ا.ایران در کشورهدف
3.71	وجود امکانات و ظرفیت‌های فرهنگی متنوع ج.ا.ایران در جامعه میزبان
3.53	استقبال و همکاری مقامات و دستگاه‌های ذیربط جامعه میزبان از فعالیت‌های فرهنگی ج.ا.ا.
3.38	وجود نمایندگی‌های مختلف سیاسی و فرهنگی ج.ا.ایران در کشورهدف و هماهنگی میان آنها
3.29	وجود پیشینه فعالیت‌های دینی - تبلیغی ج.ا.ایران در جوامع میزبان
3.03	وجود ظرفیت‌های متنوع روابط اقتصادی برای استفاده در فعالیت‌های فرهنگی

آزمون فرضیه چهارم

فرض موافق: بین آسیب شناسی دیپلماسی فرهنگی و مدل مطلوب دیپلماسی فرهنگی رابط وجود دارد.
فرض مخالف: بین آسیب شناسی دیپلماسی فرهنگی و مدل مطلوب دیپلماسی فرهنگی رابط وجود ندارد.

باتوجه به فراوانی مورد مشاهده در جدول شماره (۴) کای-اسکوئر از دیدگاه جامعه مورد مطالعه بین آسیب شناسی دیپلماسی فرهنگی و مدل مطلوب دیپلماسی فرهنگی رابط وجود دارد حصول اطمینان از وجود چنین رابطه‌ای آزمون وجود استقلال بین دو گروه (ضعیف و قوی) یعنی کای-اسکوئر را اجرا می‌کنیم چون درصد خطای محاسبه شده کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد در نتیجه فرض مخالف رد شده است پس با ۰/۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت از دیدگاه جمعیت نمونه بین آسیب شناسی دیپلماسی فرهنگی و مدل مطلوب دیپلماسی فرهنگی رابط وجود دارد.

جدول (۵): جدول کای-اسکوئر آزمون فرضیه چهارم

انحراف	مورد انتظار	مورد مشاهده	گزینه
*	*	*	بدون پاسخ
			خیلی کم
*	*	*	کم
-18	26	8	متوسط
-7	26	19	زیاد
25	26	51	خیلی زیاد
		78	جمع
f			
37	Chi-Square مقدار کای-اسکور		
3	df	درجه آزادی	
۰,۰۰۰	Asymp. Sig.	درصد خطا	
	ضریب توافقی $C = (37 / (37 + 78))^{0.5} = 0.57$		

باتوجه به اندازه ضریب توافقی ($C = 0.57 < 1$) دارای فاصله نسبتاً کمی می‌باشد. بنابراین می‌توان این‌گونه استنباط بین آسیب شناسی دیپلماسی فرهنگی و مدل مطلوب دیپلماسی فرهنگی رابطه نسبتاً قوی وجود دارد.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری در هر پژوهش مستلزم بازگشت به فرضیه‌هاست در جمع بندی این پژوهش تلاش خواهیم کرد با استفاده از مطالب ارائه شده و نتیجه آزمون فرضیه‌ها، به ارائه راه‌کارهای عملی و مدل مطلوب دیپلماسی فرهنگی برای جمهوری اسلامی ایران برسیم. نتیجه بررسی‌های مشروح در ارتباط با فرضیه اول نشان می‌دهد مؤلفه‌های فرهنگی نقش تعیین کننده و بسیار زیادی در شکل‌گیری سیاست خارجی دارد. کامیابی و موفقیت در سیاست خارجی در گرو استفاده درست از ساز و کارها و ابزارهای فرهنگی در چارچوب دیپلماسی فرهنگی است. که ابعاد مختلف آنرا در فرضیه دوم مورد مطالعه و بررسی قرار دادیم و نتیجه این فرضیه نشان می‌دهد: وضعیت فعلی مدیریت مناسبات فرهنگی بین المللی، سیاست‌گذاری، انسجام، هماهنگی، هدایت، حمایت و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی تبلیغی در وضعیت مطلوب نمی‌باشد؛ در نتیجه سالانه چندین میلیارد تومان توسط دستگاههای اجرایی و سازمان‌ها و نهادهای مختلف فرهنگی و دینی در خارج از کشور صرف فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغات دینی صورت می‌گیرد بدون اینکه هزینه‌ها از یک سیاست‌گذاری و اهداف مشخص تبعیت کند لذا لازم است در این ارتباط بازنگری و اصلاحات لازم صورت پذیرد.

در ادامه بحث از نتایج آزمون فرضیه سوم و چهارم به این نتیجه رسیدم که با توجه به اینکه هدف اساسی

در ساخت شناسی پدیده دیپلماسی فرهنگی، از نگرش سیستمی بهره برده‌ایم. در این مدل دیپلماسی فرهنگی از دو بخش اساسی تشکیل شده است: نخستین بخش دیپلماسی فرهنگی، اصول و قواعدی است که بیانگر ویژگی‌های شکل‌دهنده دیپلماسی فرهنگی آن بشمار می‌رود. و دومین بخش نیز ساختار دستگاه دیپلماسی فرهنگی است که در حقیقت دیپلماسی فرهنگی در درون آن و بوسیله آن تحقق خواهد یافت.

نخستین بخش دیپلماسی فرهنگی شامل:

(۱) سطح بندی ارزشهای اساسی محور سیاست خارجی؛

(۲) تقسیم بندی سیستم بین الملل برای برقراری

روابط فرهنگی بین المللی؛

(۳) استفاده از مدیریت و برنامه ریزی استراتژیک؛

(۴) تأکید بر استراتژی‌های نفوذ می باشد.

اولین قاعده بنیادین دیپلماسی فرهنگی سطح بندی ارزشهای مطلوب می‌باشد که به دو گونه اساسی زیر دسته بندی نمود:

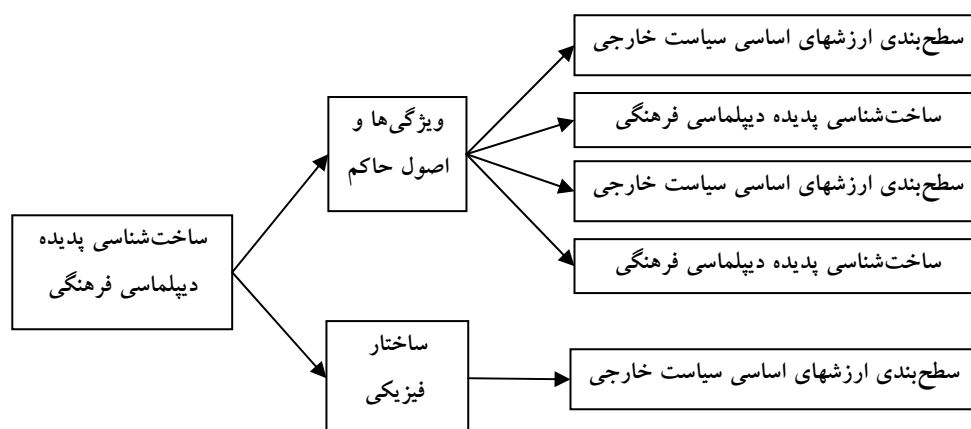
(۱) ارزشهای مرکزی و اساسی، یعنی ارزشهایی که کشور واقعاً بر آنها تأکید دارد و محور سیاست خارجی و اقدام دیپلماتیک آن در صحنه سیستمی است. مانند معرفی فرهنگ و اندیشه اسلامی، فرهنگ و تمدن ایرانی و منطق انقلاب اسلامی و...

(۲) ارزشهای جانبی به عنوان ارزشهایی که برای تحقق ارزش مرکزی و اساسی ضرورت دارند و درحقیقت تحقق آنها به منزله کمک به تحقق ارزش اساسی و مرکزی خواهد بود؛ مانند آموزش و ترویج زبان و ادبیات فارسی.

دیپلماسی فرهنگی ارائه دیدگاه روشن و موجه نسبت به فرهنگ ارزشی و رفتاری نظام برای بازیگران مختلف عرصه بین الملل شامل، دولتها، سازمانهای دولتی بین المللی و غیر دولتی، نهادهای جوامع مدنی و افکار عمومی است؛ لازم است به صورت مستمر مجموعه فعالیت‌ها و الگوها و روشهای فرهنگی کشورهای مختلف در یک کشور و یا یک منطقه مورد رصد و پایش و تحلیل قرار گیرد و از آنها بهره‌برداری شود. با عنایت به اینکه فعالیت‌های فرهنگی در محیط بین المللی صورت می‌گیرد و با تغییرات محیطی زیادی برخورد می‌باشد باید از مبنای و اصول مدیریت و برنامه‌ریزی استراتژیک در روابط فرهنگی بین المللی بهره برد.

از آنجائیکه در کشور ما بخش‌های مختلف دولتی و غیردولتی در حوزه روابط فرهنگی بین المللی با جهت‌گیری‌ها و روشهای مختلف فعالیت می‌کنند و نتیجه بررسی این پژوهش نشان می‌دهد که موازی کاری، تداخل وظایف، تعدد مراکز تصمیم‌گیری، فقدان متولی برای برخی امور در عین تعدد متولی برای رشته‌های دیگر فعالیتی، در فعالیتهای فرهنگی، تبلیغی خارج از کشور وجود دارد که با بازنگری در وظایف و ساختار تشکیلاتی دستگاههای اجرایی عامل در خارج از کشور و همچنین با بکارگیری «مدل پیوسته متمرکز» روابط فرهنگی بین المللی می‌توان به ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی در خارج از کشور اقدام کرد که در بخش پایانی مقاله به آن خواهیم پرداخت. از طرفی با توجه به اهمیت فعالیت‌های فرهنگی سازمان‌های غیردولتی باید به ایجاد و توسعه موسسات، مراکز و تشکل‌های مردمی در داخل کشور و حضور فعال بخش‌های مختلف دولتی و غیردولتی جمهوری اسلامی ایران در روابط فرهنگی اقدام کرد.

تشریح مدل پیشنهادی برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران:



برنامه‌ریزی استراتژیک را در فعالیت‌های فرهنگی بین المللی بیش از گذشته مورد تاکید قرار می‌دهد.

با توجه به نوع فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور فرآیند مدیریت استراتژیک باید در سه سطح انجام شود:

۱) در سطح بین المللی (تحلیل محیطی خارجی در کشورها و مناطق مختلف توسط نمایندگی‌های فرهنگی ایران در خارج)

۲) در سطح ملی (استفاده بهینه از ظرفیت‌های فرهنگی سازمانها و موسسات فرهنگی فعال در فعالیت‌های فرهنگی بین المللی در داخل کشور)

۳) در سطح عملیاتی (دستگاه‌های متولی دیپلماسی فرهنگی).

چهارمین قاعده بنیادین در دیپلماسی فرهنگی تأکید بر راهبردهای روابط فرهنگی موثر با ویژگیهای هر کشور یا مناطق مختلف جهان می باشد. حال این پرسش نمایان می‌گردد که تحقق این قاعده چگونه است؟

بر اساس سیاست‌های فرهنگی کشورمان در خارج از کشور و آسیب شناسی دقیق روابط فرهنگی بین المللی (پس از شناسایی نقاط ضعف و قوت محیط

دومین قاعده بنیادین دیپلماسی فرهنگی، تقسیم بندی و بخش کردن سیستم بین الملل می‌باشد. اصولاً سیستم بین الملل دارای محیط یکپارچه نیست هر بخش از محیط دارای ویژگیهای خاص خود می‌باشد و نیازها و ضرورت‌های خاصی را به سیستم اعلام می‌کند؛ از سوی دیگر واحدها نیز توان و قدرت مطلق نیستند که قادر به یکپارچه‌سازی سیستم باشند و یا دارای این توان باشند که به طور همزمان در تمامی گستره سیستم حضور فعال داشته باشند به همین سبب، ضرورت بخش بخش کردن سیستم نمایان می‌گردد. پس از بخش بخش کردن و تقسیم سیستم باید دستگاه دیپلماتیک بر یک یا چند بخش از سیستم مذکور تمرکز یابد. معمولاً این بخش‌ها باید از جذابیت و تاثیرگذاری لازم در تحقق ایده‌های سیاست خارجی آن کشور برخوردار باشند.

سومین قاعده بنیادین دیپلماسی فرهنگی، برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک می‌باشد. در راستای تأمین منافع ملی و ارائه دیدگاه روشن و موجه نسبت به فرهنگ ارزشی و رفتاری نظام برای بازیگران مختلف عرصه بین الملل که از تغییرات و تحولات محیطی زیادی برخوردار است ضرورت استفاده از مدیریت و

بین‌المللی است. در این مدل دیپلماسی فرهنگی به دو قسمت تقسیم شده است:

(۱) روابط فرهنگی بین‌المللی رسمی (۲) روابط فرهنگی بین‌المللی غیررسمی

در روابط فرهنگی رسمی: عمدتاً بازیگران اصلی دولت‌ها می‌باشد و در فرایند سیاستگذاری و اجرا عمدتاً توسط ارگانها و مؤسسات حکومتی دنبال می‌شود.

روابط فرهنگی غیررسمی شامل: روابط فرهنگی غیررسمی همزمان بوسیله دولت، اشخاص و مؤسسات خصوصی پیگیری می‌شوند. تلاش‌هایی که تحت هر یک از عناوین دیپلماسی فرهنگی رسمی و غیررسمی انجام می‌شود منجر به تماس فرهنگی میان دو فرهنگ مبدا و مقصد منجر می‌شود. سیاست خارجی و سیاست فرهنگی کشور هدف مهمترین عوامل تأثیر گذار بر حجم، شدت و جهت تماس دو فرهنگ است. اما عوامل ساختار فیزیکی دیپلماسی فرهنگی پیش‌بینی شده در مدل بشرح زیر می‌باشد:

- (۱) نمایندگی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور؛
- (۲) دستگاه اجرایی مدیریت روابط فرهنگی بین‌المللی (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی)؛
- (۳) شورای راهبردی روابط فرهنگی بین‌المللی؛
- (۴) دستگاه‌های اجرایی، سازمان‌ها و نهادها و مؤسسات فرهنگی دولتی؛
- (۵) مجامع، انجمن‌ها، سازمان‌ها و نهادها و مؤسسات فرهنگی غیردولتی؛

نمایندگی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور:

نمایندگی‌های فرهنگی دولت‌ها در کشور هدف اعم از رایزنی‌های فرهنگی، خانه‌های فرهنگی و سفارتخانه‌ها، مؤسسات و کارگزاران ثالث که به

داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیط بین‌المللی) نسبت به سیاستگذاری و تدوین راهبردهای فرهنگی مناسب با ویژگیهای کشور مقصد با در نظر گرفتن فعالیت‌های بخش‌های مختلف دولتی و غیردولتی در جهت رسیدن به اهداف مشخص اقدام گردد.

دومین بخش مربوط به ساختار دستگاه دیپلماسی فرهنگی است که مدل مطلوب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را براساس یافته‌های پژوهش بشرح زیر ارائه می‌گردد:

در این مدل ابتدا منافع ملی و هویت فرهنگی (هویت ملی) را به عنوان مبنای اصلی شکل‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده است. میان منافع ملی و هویت فرهنگی رابطه دو سویه در نظر گرفته شده است البته ثبات هویت ملی بسیار بیش از منافع ملی است. شکل‌گیری نقش‌های فعال دولت‌ها در صحنه بین‌المللی ریشه اساسی در ساختار هویت‌ها و منافع ملی از یک طرف و بازسازی عملکرد آنان براساس درک تعاملی و متقابل از جهان واقعی دارد.

در این مدل میان هویت فرهنگی با دیپلماسی فرهنگی، و منافع ملی با دیپلماسی سنتی رابطه غیر مستقیم وجود دارد این رابطه نشان دهنده تأثیرات غیر مستقیم هر یک بر دیگری است، میان دیپلماسی سنتی و دیپلماسی فرهنگی رابطه‌ای تعاملی وجود دارد، در کشور ما وزارت امور خارجه و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی دستگاههای اجرایی برای هماهنگی میان این دو مؤلفه سیاست خارجی تعبیه شده است.

در این پژوهش دیپلماسی فرهنگی: به عنوان ابزار خاص در اجرای سیاست خارجی می‌باشد. دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک ابزار کارآمد و قابل انعطاف در سیاست خارجی، زمینه ساز ارتقاء روابط دولتها و به تبع آن افزایش تفاهم میان ملتها و ایجاد صلح و ثبات

صورت رسمی که در چارچوب موافقتنامه و تفاهم‌نامه‌ها فعالیت می‌کنند و یا به صورت غیر رسمی در قالب موسسات غیردولتی (NGO) مسئولیت روابط فرهنگی بین المللی کشور مبدا را در کشور مقصد برعهده دارند می‌باشد. این نمایندگی‌های وظیفه رصد و پایش عوامل محیطی و تحولات فکری و فرهنگی جوامع میزبان و همچنین معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی را در خارج از کشور بر عهده خواهند داشت. از آنجائیکه در هر صورت فعالیت‌های این نمایندگی‌ها باید براساس سیاستها و خط‌مشی‌ها و اهداف تعیین شده مشخص از سوی کشور مبدا صورت پذیرد. بدین منظور ایجاد شورای راهبردی روابط فرهنگی در سطح نظام پیش‌بینی شده است.

شورای راهبردی روابط فرهنگی بین المللی

این شورا به عنوان سیاست گذار و نظارت‌کننده بر روابط فرهنگی بین‌المللی وظیفه تدوین سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها اهداف کلان فرهنگی و راهبردهای کلان و عملیاتی روابط فرهنگی بین المللی جمهوری اسلامی ایران در سطح نظام براساس تجزیه و تحلیل عوامل محیطی داخلی و خارجی را بر عهده خواهد داشت. ترکیب این شورا باید با مدیریت بالاترین مقام کشور و عضویت مسئولین ارشد فرهنگی نظام بوده و دارای کارگروه‌های تخصصی در سطح نظام باشد. و رعایت مصوبات شورا باید برای کلیه بخش‌های فرهنگی دولتی و غیردولتی فعال یا عامل در خارج از کشور الزام آور بوده و دارای ضمانت اجرایی باشد.

دستگاه اجرایی مدیریت روابط فرهنگی بین المللی (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی)

این سازمان به عنوان بازوی اجرای شورای راهبردی روابط فرهنگی بین المللی و همچنین به عنوان متولی دیپلماسی فرهنگی وظیفه مدیریت هماهنگی

انجام فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی کلیه بخش‌های دولتی و غیر دولتی در داخل کشور توسط نمایندگی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را عهده دارشود، باید در ساختار تشکیلاتی و وظایف سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بازنگری شود تا بتواند مدیریت روابط فرهنگی را در سطح نظام در قالب مصوبات و سیاستگذاری‌های شورای راهبردی روابط فرهنگی انجام دهد. کلیه فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی بخش‌های دولتی و غیردولتی داخل کشور باید به نحوی هدایت شوند که اولاً: فعالیت‌های واحد نه تنها هم پوشانی نداشته باشند بلکه هم افزایی داشته باشند و اهداف مشخصی را دنبال کنند و ثانیاً: نیازهای مخاطبین فرهنگی جوامع میزبان را از نمایندگی‌های فرهنگی دریافت و پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات و اولویت بندی آنها جهت تولید کالا و خدمات فرهنگی به بخش‌های مختلف دولتی و غیردولتی مرتبط در داخل کشور منعکس نماید و تا مرحله اقدام مراتب را مدیریت هماهنگ نماید.

دستگاه‌های اجرایی، سازمان‌ها و نهادها و موسسات فرهنگی دولتی

بررسی‌های بعمل آمده نشان می‌دهد که بیش از ۳۴ بخش دولتی به صورت مستقیم و غیر مستقیم در فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی در خارج از کشور با صرف اعتبارات بسیار زیاد فعالیت می‌کنند که براساس نتیجه فرضیه چهارم موازی کاری و تداخل وظایف و وجود عدم هماهنگی بین بخش‌های مذکور مشهود است که بایستی فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی در خارج از کشور ساماندهی شده و فعالیت‌های این بخش به صورت هماهنگ و هم افزا و در چارچوب مصوبات شورا و تحت مدیریت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با همکاری و تعامل با نمایندگی‌های فرهنگی

فعالیت‌های فرهنگی، تبلیغی خارج از کشور و نیز استفاده بهینه از امکانات مادی و معنوی موجود، بنا به پیشنهاد جمعی از مسئولان فرهنگی کشور و تصویب شورای عالی تبلیغات خارجی و تأیید مقام معظم رهبری «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» تشکیل شده است لازم است نقاط ضعف و قوت سازمان شناسایی شود و موانع و مشکلات کنونی سازمان مرتفع گردد تا امکان اعمال مدیریت فرهنگی در خارج از کشور با استفاده از کلیه ظرفیت‌های نظام به صورت هماهنگ و هم‌افزا صورت گیرد و از طرفی «شورای راهبردی روابط فرهنگی بین‌المللی» برای سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی‌ها زیر نظر مقام معظم رهبری «مدظله العالی» در سطح نظام با عضویت مسئولین فرهنگی ارشد نظام جمهوری اسلامی که در این حوزه صاحب نظر هستند و به نحوی مسئولیت آنها در ارتباط با فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی می‌باشد، مصوبات این شورا باید دارای ضمانت اجرایی و قانونی باشد و از سوی کلیه بخش‌های دولتی و غیردولتی الزامی باشد.

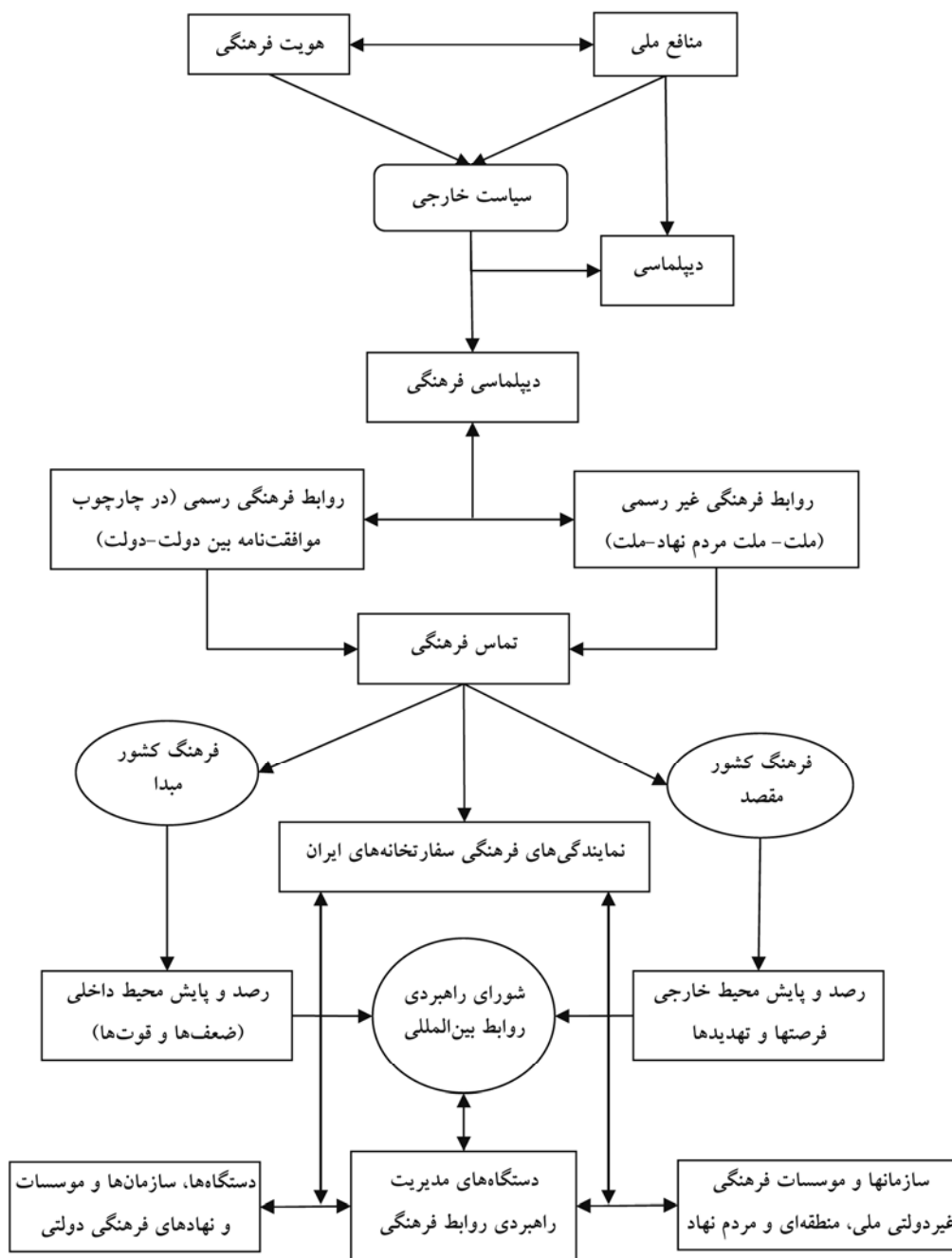
جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور فعالیت انجام شود.

مجموع، انجمن‌ها، سازمان‌ها و نهادها و موسسات فرهنگی غیردولتی

امروزه ظهور و گسترش کمی و کیفی بازیگران بین‌المللی غیردولتی تا بدان حد رسیده که گفته می‌شود، اصول اساسی نظام بین‌الملل دچار فرسایش شده و ارتباطات بین‌المللی دولت محور جای خود را به ارتباطات معنوی و مادی ویژه‌ای میان شهروندان جوامع ورای ساختارهای دولت‌های دارای حاکمیت داده است و در این میان سازمان‌های غیردولتی در هر سه عرصه امور بنیادی، تخصصی و فرهنگی عمومی نقش فعال و مؤثر دارند که باید از این ظرفیت‌ها برای بهبود فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی بین‌المللی استفاده کرد. لذا باید زمینه ایجاد و توسعه موسسات، مراکز و تشکل‌های مردمی و سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و منطقه‌ای را فراهم نماید تا فعالیت‌های فرهنگی - تبلیغی قابل واگذاری را به این گونه سازمانها و مراکز واگذار کنند. بنابراین مدل مطلوب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران استفاده از روشهای ترکیبی: «مدل روابط فرهنگی پیوسته (متمرکز)» و «مدل شورای راهبردی روابط فرهنگی» پیشنهاد می‌گردد در این راستا فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی در خارج از کشور براساس مدل روابط فرهنگی پیوسته (متمرکز) ساماندهی می‌شود بطوریکه فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی دستگاههای اجرایی، سازمانها و نهادهای فعال یا عامل در داخل و خارج از کشوراعم از دولتی و غیردولتی بصورت هماهنگ و دارای رابطه ارگانیک شده و از انجام موازی کاری و تداخل وظایف جلوگیری خواهد شد.

از آنجائی که به منظور ایجاد تمرکز در مدیریت و برخورداری از سیاست‌گذاری واحد و هماهنگی در

مدل روابط فرهنگی بین المللی جمهوری اسلامی ایران



منابع و ماخذ:

۱. سلیمی، حسین، ۱۳۷۹، فرهنگ گرای، جهانی شدن و حقوق بشر، انتشارات وزارت امور خارجه
۲. اشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۳)، «فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی: ارائه مدلی برای دیپلماسی عمومی»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۲۱ (بهار ۸۳)
۳. افتخاری، ۱۳۸۶، تغییر در فرهنگ در سیاست خارجی؛ بازیابی جایگاه فرهنگ در سطوح سه گانه سیاست خارجی در دوره پس از جنگ سرد، مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی: رویکرد ایرانی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
۴. امیری، عبدالله، ۱۳۸۵، "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، تهران، مؤسسه نشر علوم
۵. حسن خانی، محمد، ۱۳۸۶، نقش فرهنگ و ابزارهای فرهنگی در طراحی و پیشبرد دیپلماسی؛ با تاکید بر سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی: رویکرد ایرانی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
۶. حقیقی، رضا، ۱۳۸۶، فرهنگ و دیپلماسی (درآینه دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران)، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی
۷. رولاند، پیچ، ترجمه احمد رجبی، ۱۳۸۶، مبانی متافیزیکی فرهنگ و اهمیت آن در سیاست خارجی، مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی: رویکرد ایرانی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
۸. سلیمی، حسین، ۱۳۸۵، فرهنگ گرای، جهانی شدن و حقوق بشر، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
۹. فروند، ژولین، جامعه شناسی ماکس وبر، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، انتشارات رایزن، ۱۳۶۸.
۱۰. قمری، داریوش، ۱۳۸۴، همبستگی ملی در ایران، تهران، انتشارات تمدن ایرانی
۱۱. ماهنامه ارتباطات فرهنگی؛ شماره ۲۰، ۱۳۸۴: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مهدی سنائی
۱۲. هادیان، ناصر، ۱۳۸۲؛ «سازه انگاری: از روابط بین الملل تا سیاست خارجی» فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره ۴، تهران
۱۳. یان، کلارک، ۱۳۸۲، جهانی شدن و نظریه روابط بین الملل، مترجم تقی لوفرامرز: تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزترت امور خارجه،

یادداشت‌ها

- ¹. constructivism
- ². Constitutive
- ³. Regulative